

زنده باد کمون؟

قيام طبقه كارگرى كه دنيا را به لرزه درآورد

جوليان كومان

در این نبرد اگر دشمن پیروز شود، حتی مرده‌ها هم در امان نیستند. «والتر بنیامین»

مقدمه مترجم: یادآوری‌ها همواره بخشی از وفاداری به جنبش‌ها و انقلاب‌ها است، خواه یک انقلاب توانسته باشد به موفقیت دست یابد و پیروز میدان شود و یا اینکه شکست خورده و در هم کوبیده شود. در میان یادآوری شورش‌ها همواره آنانکه سرکوب شده‌اند بیشتر مانده‌اند تا آنانکه موفق شده‌اند، چه بسا بدین دلیل که در انقلاب پیروز، انقلاب شاید نتوانسته باشد کاملاً به پیروزی دست یافته باشد و در میانه راه همان گذرگاه قدیمی را ادامه داده باشد. در بین شورش‌های سرکوب شده کمون پاریس و ۷۲ روزی که طبقه کارگر و مردم حاشیه‌نشین پاریس قدرت را در این شهر در دست داشتند و در نهایت پس از ماجرای هفته خونین به بی‌رحمانه‌ترین شکل ممکن سرکوب شدند، جایگاه ویژه‌ای دارد. در پاریس و فرانسه کم نیستند شورش‌هایی که علیه حاکمیت به پا می‌خیزند و حاکمیت را وادار به سازش می‌کنند. نمونه آخر از این شورش‌ها جنبش جلیقه زردها است که این بار نیز در میان لایه‌های زیرین و طبقه بی‌ثبات کار جامعه پاریس شروع به گسترش کرد. در برابر سنت رادیکالیسمی که در فرانسه وجود دارد نیروهای ارتجاعی و محافظه کار هم همواره دارای قدرت و نفوذ هستند که ریشه‌های آن به همان سنت پادشاهی فرانسه برمی‌گردد که دارای یکی از قدرتمندترین طبقه‌های فئودال در اروپا بود. امسال مصادف با ۱۵۰ مین سالگرد کمون شهردار چپ‌گرای پاریس به همراه بخش زیادی از شورای این شهر اقدام به یادبود کمون کرده است، در همین حال نیروهای راست گرا که همواره حتی از یادکردن هم وحشت دارند اقدام به مخالفت با این یادبود کردند و فضای شهر پاریس را دو قطبی کرده‌اند. مقاله در حین آماده‌سازی برای این یادبود نگاشته شده است و از فضای این شهر و نمادها و سخنان طرفین صحبت می‌کند. شاید این مواجهه با رویداد تاریخی چیزی نظیر تظاهرات تاریخ بنیامین باشد که بایستی اکنون به درون رویداد گذشته بازگشت و از نو به همان تاریخ برگشت تا بتوانیم در مورد آن رویداد تاریخی قضاوت کنیم و از نو به مردگان بنگریم و بیاندیشیم آیا اکنون پس از آن فاجعه وضع بهتر شده است یا خیر.

همچنان که پاریس خود را برای صدوپنجاهمین سالگرد کمون آماده می‌کند، چشم‌انداز کموناردها برای فرم جدیدی از دموکراسی رادیکال برای یک بار دیگر فرانسه را [به دوجناح] تقسیم کرده است.

چند سال پیش، وقتی کارگران راه‌آهن در مقابل اصلاحات پیشنهادی حکومت به تظاهرات پرداختند، یک بنر در میان جمعیت همچون صاعقه‌ای از گذشته انقلابی فرانسه جلوه می‌کرد. نوشته‌ای که می‌گفت: «ما به مه ۶۸ اهمیت نمی‌دهیم. ما ۱۸۷۱ را می‌خواهیم.» پیام این پلاکارد این بود که معترضان شوخی ندارند. این روزها، شورش دانشجویان در سال ۱۹۶۸ و دستورالعمل‌های آن مبنی بر اینکه «واقع بین باش ... غیرممکن را مطالبه کن» با نوستالژی دل‌انگیزی به یاد آورده می‌شود. اما در سالگرد تحولات انقلاب فرانسه، خاطره کمون پاریس ۱۸۷۱ و سنگربندی‌های خونین‌اش وضعیت وخیم‌تر و تاریک‌تری دارد. ماتیلد لارر^۱، که یک تاریخ‌نگار با تخصص در جنبش‌های رادیکال قرن ۱۹ فرانسه است، می‌گوید «برخلاف ۱۷۸۹، کمون هرگز کاملاً با یک داستان ملی آمیخته نشده بود.» وحشی، آنارشیزم و تحت سلطه فقرای پاریس [سخنانی است که از طرف گروه‌هایی] که از کمون متفر بودند نظیر بورژوازی لیبرال، محافظه‌کاران و سلطنت‌طلبان راست‌گرا شنیده می‌شود. سرکوب وحشیانه کمون توسط ارتش فرانسه و اعمال خشونت‌آمیز خود [کمون]، زخم‌هایی ایجاد کرد که هرگز التیام نیافتند. لارر می‌گوید: «کمون ۱۸۷۱ تبدیل به بخشی از حافظه جمعی مورد اجماع عمومی نشد.» در جامعه آبرومند، کمون به‌نوعی فراروی از محدوده قلمرو خود دیده شده است.

اما دقیقاً ۱۵۰ سال پس از آن، «کموناردها» در حال بازگشت هستند و پاریس را دوباره دو شقه می‌کنند. به مناسبت سالگرد کمون، شهردار پاریس، آن ایدالگو^۲، درخت یادبودی را این ماه در مون‌مارتر^۳، به یاد بقایای شورش خواهد کاشت. میدان لوئیز میشل^۴، که به نام مشهورترین کمونارد زن نام‌گذاری شده است، توسط پارسی‌هایی پر می‌شود که نقاشی‌هایی یک‌دست سیاه به اندازه طبیعی از نانوایان، کفاشان و زنان رخت‌شورخانه‌ای را حمل می‌کنند که کنترل پایتخت را در ۱۸۷۱ به دست گرفتند. این رویداد با عنوان Nous La Commune (ما کمون) مجموعه‌ای از نمایشگاه‌ها، سخنرانی‌ها و کنسرت‌ها، نمایشنامه‌ها و شعرخوانی‌ها را آغاز می‌کند و تا ماه مه ادامه دارد. مطابق گفته‌های لورنس پاتریس^۵، عضو شورای پاریس که مسئولیت نظارت بر سالگرد را بر عهده دارد، زمان آن رسیده است که انقلابیون سال ۱۸۷۱ به‌عنوان پیشگامان رادیکال شناخته شوند. وی گفت: «ما در مورد گروه بزرگی از شهروندان صحبت می‌کنیم که دور هم جمع شدند تا سرنوشت خود را به دست بگیرند.» «آن‌چه کمون برای آن ایستادگی کرد رنگ و بوی مدرنیته داشت و آرمان‌هایش به آنچه امروز برخی از مردم می‌خواهند نزدیک بود.»

«کموناردها برای داشتن نمایندگان سیاسی قانونی و پاسخگو جنگیدند. آنها می‌خواستند حق رأی به زنان بدهند که نقش بسزایی در کمون داشتند. آنها از دستمزدهای برابر دفاع کردند و خانه‌های خالی را برای اسکان بی‌خانمان‌ها فراهم کردند. کمون برای خارجی‌ها تابعیت و دسترسی آزاد به قانون را فراهم کرد. شباهت‌های زیادی با امروز وجود دارد.»

Mathilde Larrère¹

Anne Hidalgo²

Montmartre³

Place Louise Michel⁴

Laurence Patrice⁵

به بیانی ملایم، این تحلیل با تأیید جهانی روبرو نشده است. این ادای احترام باعث خشم محافظه کاران از جمله رودلف گرانیر⁶، مشاور در مونیخ و از اعضای شورای شهر پاریس، شده است. گرانیر قصد دارد رویداد محل لوئیز میشل را تحریم کند. او به مجله دیده بان⁷ گفت: «این عملی تحریک آمیز است. من با بزرگداشت مشکلی ندارم، اما با یک جشن چرا. گوش کنید، وقتی چپ از کمون دفاع می کند، شبیه همان دفاعی است که چپ از کمونیسم می کند. آنها می گویند ایده ها زیبا بودند، فقط به درستی اجرا نشده اند.» «اما چه صحبت کمونیسم در میان باشد یا کمون سرانجام کار خونریزی خواهد بود، و وقتی یک ایدئولوژی با کشتار تنیده باشد، به نظرم سیاست جایی برای جشن گرفتن این ایدئولوژی نیست.»

ماه گذشته، گرانیر در طی یک جلسه آتشین در هتل دو ویل⁸ پاریس، ایدالگو را به سوءاستفاده از این سالگرد برای تقویت موقعیت خود در جناح چپ قبل از انتخابات ریاست جمهوری سال آینده متهم کرد. محافظه کاران پاریس همچنین به یارانه دادن شورا برای انجمن دوستان کمون اعتراض دارند؛ سازمانی که گرانیر ادعا می کند «خشونت آمیزترین وقایع خود را تجلیل می کند.» با شعله ور شدن آتش اختلافات، لوموند صفحه ای را به این ردیف اختصاص داد، با عنوان: «کمون ۱۸۷۱: یک سالگرد بسیار پرتنش.» مجله سیاسی هفتگی اکسپرس در آخرین چاپ خود می پرسد: «آیا باید ۱۵۰ امین سالگرد کمون را جشن گرفت؟» هیچ پاسخ سرراستی وجود ندارد. تاریخ کمون مختصر و بسیار خونین بود. در ژانویه ۱۸۷۱، فرانسه پس از سه ماه محاصره که پاریس را به زانو در آورد، تسلیم ارتش پروسی اتو فون بیسمارک⁹ شد. با فروپاشی امپراتوری دوم فرانسه، دولت جدید طرفدار سلطنت برای مذاکره با آلمانی ها انتخاب شد. اما در اثنای این هرج و مرج و تحقیر ملی، نیمه فقیرتر پاریس حاضر نشد اسلحه خود را تحویل دهد. در ۱۸ مارس، انقلابیون ساختمان های دولتی را تصرف کردند. آدولف تیر¹⁰، رئیس جمهور تازه منتخب، به ورسای گریخت. کمون که به طور فزاینده ای اقتدارگرا شده بود و از هر طرف تحت محاصره قرار داشت، ۷۲ روز پرفراز و نشیب را سپری کرد تا این که به طرز وحشیانه ای زمین گیر شد. امیل زولا، رمان نویس، نوشت: «هرگز بحران وحشتناک تری در یک شهر بزرگ رخ نداده است.» دست کم ۸۰۰۰ کمونارد پاریس، از جمله بسیاری از زنان و کودکان، در «هفته خونین» از ۲۱ تا ۲۸ مه، در سنگرها با توسط جوخه های اعدام کشته شدند. وقتی خشونت از کنترل خارج شد، اسقف اعظم پاریس و بیش از ۵۰ گروهان دیگر، که بسیاری از آنها کشیش بودند، توسط کموناردها کشته شدند.

میراث یک آزمون انقلابی که اروپا را به لرزه درآورد، توسط نسل های بعدی کمونیست ها هدایت می شد. کارل مارکس کمون را به عنوان «منادی باشکوه یک جامعه جدید» توصیف کرد. لنین آن را پیشگام انقلاب روسیه می دانست. در سال ۱۹۳۶، در روزهای حکومت جبهه مردمی ضد فاشیستی فرانسه، ۵۰۰۰۰۰ چپ گرا برای احترام به زیارت شهدای کمون در گورستان پرلاشز پاریس رفتند. اما در اواخر قرن بیستم، چون حزب کمونیست فرانسه در سمت اشتباه تاریخ قرار گرفته بود، کمتر در مورد کمون صحبت شد. لارر می گوید، جدال فعلی گواه نسبت جدیدی است، همان طور که سیاست مدرن روحیه تازه ای به ایده آل های خود می بخشد. او می گوید: «تفسیر کمونیستی از سال ۱۸۷۱ بسیار ناقص بود.» «کمونارها طبقه کارگر نظریه مارکسیستی نبودند و کمون یک شوروی اولیه کارگران صنعتی و سربازان نبود. این افراد جانشین های سان-کلو^{۱۱} های ۱۷۸۹ بودند - صنعتگران، تجار کوچک و تولیدکنندگان. آن ها خواهان دموکراسی بهتر و جمهوری اجتماع محورتری بودند.»

لارر می گوید، یک قرن و نیم بعد، در فرانسه پساصنعتی، یک طبقه بی ثبات کار جدید با درآمد ناچیز خواسته های مشابهی را مطرح می کند. جنبش های مردمی خارج از جریان اصلی سیاسی شروع به یادآوری خاطرات سال ۱۸۷۱ می کنند. در سال ۲۰۱۶، در حالی که تظاهرات کنندگان مرکز پاریس را اشغال می کردند و مجالس شبانه را در میدان جمهوری برگزار می کردند، این میدان به طور غیررسمی به میدان کمون^{۱۲} تغییر نام داد. شعارهای بعضاً خشونت آمیز جنبش gilets jaunes (جلیقه زردها) - «مردم فرمان روا هستند»، «مقامات منتخب، شما پاسخگو هستید» - روح کموناردها را در خود داشت، اگرچه فهم تاریخی معترضان گاهی اوقات متزلزل بود. در یک نقاشی دیواری در کنار کلیسای مقدس سکره گر^{۱۳} در مونمارتر، که به طور گسترده در شبکه های اجتماعی به اشتراک گذاشته شد، خوانده شده است: «کمون پاریس ۱۷۸۱/ جلیقه زردهای ۲۰۱۸».

گرانیر می گوید: «نقاط اشتراک زیادی با جنبش جلیقه زردها وجود دارد. انقلاب و نبرد با بی عدالتی یک سنت فرانسوی است. اما تفاوت عمده با قرون گذشته این است که اکنون ما یک حکومت قانون داریم. من نمی توانم درک کنم که چرا یک جنبش سیاسی می خواهد یک جنبش شورشی مانند کمون را جشن بگیرد. این مرا شوکه می کند.»

Rudolph Granier⁶

Observer⁷

Hôtel de Ville⁸

Otto von Bismarck⁹

Adolphe Thiers¹⁰

Place de la Commune¹¹

Sacré Coeur¹²

La Paris Commune of 1781 [sic] / Gilets jaunes 2018¹³

لارر می‌گوید: «محافظه‌کاران در مورد این موضوع بسیار حساس می‌شوند، زیرا اکنون در خیابان‌ها و دیوارها در مقابل آنها است. کمون درباره قدرت متمرکز، دموکراسی نمایندگی و حاکمیت مردمی سوالاتی را مطرح کرد. جلیقه زردها سوالات مشابهی را مطرح کردند، البته در زمینه‌ای متفاوت. آیا واقعاً توسط مقامات منتخب و دموکراسی نمایندگی مان به ما خدمتی می‌شود؟ آیا راه دیگری برای برقراری حاکمیت مردمی وجود ندارد؟ این مضامین دوباره احیا شده‌اند و به همین دلیل است که در سوی جناح دیگر، از احترام گذاشتن به خاطره کمون امتناع می‌شود.»

با افزایش نزاع، سکره‌گر که بر فراز لوئیز میشل در مون‌مارتر ظاهر می‌شود، به داخل درگیری کشیده شده‌است. باسیلیکای عظیم سفید، یکی از بزرگترین جاذبه‌های گردشگری پاریس، به عنوان یک عمل توبه ملی پس از نتیجه فاجعه‌بار جنگ فرانسه و پروس قلمداد شده‌است. با شروع کار ساخت و ساز، با کمک‌های مالی شخصی، این امر به‌طور جدایی ناپذیری با خصومت کاتولیک‌ها نسبت به کمون در ارتباط بود.

برای جلوگیری از ارسال پیام‌های ناخوشایند و مختلط، شورای شهر تصمیمی را که امسال برای دادن وضعیت ذکر شده به کلیسا در نظر گرفته بود، که طبق آن می‌تواند یارانه‌های دولتی را دریافت کند، به تعویق انداخته‌است. گرانی‌ر می‌گوید: «افرادی در ائتلاف ایدالگو وجود دارند که می‌خواهند سکره‌گر نابود شود زیرا آن را به عنوان یک بنای یادبود علیه کمون می‌بینند.» او ادامه می‌دهد: «بعد از نوتردام، این پربازدیدترین کلیسای پاریس است. بازنویسی تاریخ برای به‌دست آوردن امتیازات سیاسی روشی آبرومندانه برای سیاست‌ورزی نیست.» پاتریس تا حدودی از این شور و اشتیاق عمومی مبهوت است و جنگ‌های فرهنگی کمون را به حساب ناامیدی مخالفان خود برای نمایش صلاحیت محافظه‌کار خود می‌گذارد: «در دوران ماکرون، فرانسه رئیس‌جمهوری دارد که ادعا می‌کند فراتر از چپ و راست است اما بیشتر و بیشتر مانند یک راست‌گرا رفتار می‌کند. فضای سیاسی برای محافظه‌کاران بین رئیس‌جمهور و [رهبر حزب حرکت ملی] مارین لوپن در جبهه راست افراطی فشرده شده‌است. این جنجال در مورد آنها است که مشخصات خود را سخت‌تر می‌کنند.» او امیدوار است که به محض شروع رویدادها، جنگ کلمات فراموش شوند: «این بزرگداشت‌ها راجع به جشن گرفتن خشونت نیست. و باید به یاد داشت که این کموناردها بودند که بالاترین قیمت را برای قیام، در هنگام مرگ و تبعید پرداخت کردند.»

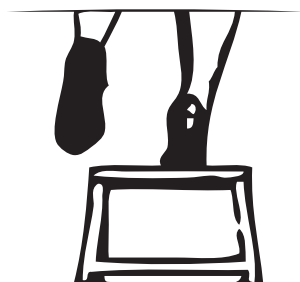
در مورد جنجال سکره‌گر، پاتریس یادداشتی مصالحه‌آمیز ارائه می‌دهد و می‌گوید: «من دلیلی نمی‌بینم که در نهایت چرا این کلیسا مانند سایر کلیساها وارد لیست نشود. این تصمیم برگردانده شده‌است، فقط همین. مردم استدلال‌هایی بسیار تهاجمی ارائه داده‌اند اما بحث بر سر یادآوری برهه‌ای است که برای حافظه جمعی شهر سازنده است. اگر پاریس را دوست دارید و اینجا زندگی می‌کنید، دانستن تاریخچه آن مهم است.»

دشمنی‌های قدیمی به‌سختی می‌میرند. در سال ۱۸۷۵، هنگامی که سنگ اول سکره‌گر گذاشته شد، یکی از سرمایه‌گذاران اصلی آن تحقیر خود را نسبت به کموناردهای شکست خورده آشکار کرد. هوبرت رو هول دو فلوری¹⁴ گفت: «برای همه کسانی که دین و کشور خود را دوست دارند، ساخت یک کلیسا در محلی که توپ‌ها را به علت قیام ربوده‌اند، باعث خوشحالی خواهد بود.» بهار امسال، وجه دیگر ماجرا روایت خواهد شد.

Vive la Commune? The working-class insurrection that shook the world

Hubert Rohault de Fleury 14

حق انتشار آزاد است



جولیان کومان
زنده باد کمون؟
قیام طبقه کارگری که دنیا را به لرزه در آورد
1400

radicald.net

fa.anarchistlibraries.net